

رابطه نهضت عاشورا و انقلاب‌های ظلم‌ستیز تا دوران معاصر

محمود سالاروند^۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۰۶

چکیده

در ادوار مختلف تاریخی و در نقاط گوناگون جهان، قیام‌ها و انقلاب‌های فراوانی به انجام رسیده که تأثیر آنها بر مردم عصر خود و زمان‌های آینده متفاوت بوده است. اثرگذاری تعدادی از این خیزش‌ها، تنها در محدوده زمانی و مکانی محدودی صورت پذیرفته است. در این میان، برخی از قیام‌ها و انقلاب‌ها تا مدتی روابط بین‌الملل و برخی ملت‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند، ولی به مرور زمان از قدرت و نفوذ آنها کاسته شده است تا جایی که یا تغییر آرمان داده‌اند یا به فراموشی سپرده شده‌اند و جز نامی از آنها در تاریخ وجود ندارد.

قیام بزرگ و الهی امام حسین علیه السلام در روز عاشورای سال ۶۱ هجری قمری، تنها نهضتی است که هرچند در ظاهر به شکست و شهادت افراد حاضر در آن انجامید، اما تأثیری شگرف و فوق‌العاده بر جنبش‌های مردمی پس از خود، در سطح جهان، به‌ویژه جوامع اسلامی داشته است. این حرکت بزرگ اعتقادی،

۱. دانشجوی دکتری کلام، دانشگاه قم (mahmoodsalar66@yahoo.com)

پس از ۱۴ قرن، همچنان پر قدرت و تأثیرگذار، الگوی کامل و بی نظیری برای آزادی خواهان و حق طلبان به شمار می رود.
کلیدواژه ها: قیام امام حسین علیه السلام، نهضت کربلا، خیزش ها، انقلاب اسلامی.

مقدمه

قیام امام حسین علیه السلام در برابر ظلم و انحراف حاکمیت، تحولی بس بزرگ و ماندگار در نظام شیعه بر جای گذاشت که ندای حق طلبی و مبارزه با ستمگری موجود در اساس آن، پس از سالیان متمادی فرونشسته و همچنان در جامعه مسلمانان منشأ اثر است. اگرچه نهضت عاشورا تنها قیام شیعه در برابر ظلم و جور نیست، ولی به سبب ویژگی های منحصر به فرد آن، اثرگذاری و پایداری بی بدیلی در برداشته است.

وجود انگیزه های الهی با هدف والای اصلاح جامعه اسلامی که در متن واقعه عاشورا وجود دارد، سبب شده که نه تنها این حرکت برای مسلمانان، الگویی کامل در حرکت به سمت عدالت قلمداد گردد، بلکه در زمان های مختلف، افراد و شخصیت های سایر ادیان و مذاهب، با تأثیرپذیری از این ویژگی ها، در جهت اصلاح و الگو برداری فردی یا اجتماعی از آن گام بردارند. (بارا، ۱۳۴۱)

قیام حسین بن علی علیه السلام در برابر طاغوت زمان خویش، دفاع از ماهیت اسلام و عمل به تکلیف است و ایشان هیچ گاه در پی خلافت و ریاست و کسب قدرت نبود. دلایلی کلامی، عقلی و منطقی بسیاری پشتوانه این ادعا هستند.

خداوند در قرآن می فرماید:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾؛ (احزاب: ۳۳)

خداوند اراده نموده است که هر ناپاکی و رجسی را از خاندان نبوت بزدايد و شما را از هر عیب و نقصی پاک و منزه گرداند.

روشن است که حب ریاست، حکومت و دنیا طلبی از ذایل و کاستی های نفسانی است که خاندان نبوت از آن مبرا هستند.



اگر قیام ابا عبدالله الحسین علیه السلام علیه یزید، جنبه جاه‌طلبی و ریاست دنیوی داشت، رسول الله صلی الله علیه و آله دستور به یاری و کمک ایشان نمی‌داد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ ابْنِي هَذَا يَعْنِي الْحُسَيْنَ يُقْتَلُ بِأَرْضِ يَمَلِكِ لَهَا كِرْبَلَاءُ فَمَنْ شَهِدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَنْصِرْهُ
(فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۳/۲۸۲)

به درستی که پسر من یعنی حسین در سرزمین کربلا کشته می‌شود. پس هر کس از شما که در آن روز حاضر باشد باید به حسین یاری رساند.

از طرف دیگر، از آن جا که به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله «محبت و دوستی دنیا، رأس تمام بدی‌ها و خطاهاست» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶/۳۱۵) قطعاً ابا عبدالله الحسین علیه السلام در پی چنین ریاستی نبوده و اگر کسی از روی عمد و آگاهی، آن حضرت را دنیا طلب بخواند، یقیناً منکر قرآن مجید شده است. (صانعی، ۱۳۸۵: ۱۱۸)

پس از این واقعه که در ظاهر به شکست و شهادت امام حسین و یاران ایشان انجامید، گویی شعله پرفروغ عدالت‌طلبی انقلابی برافروخته‌تر شد و روح باطنی آن در مقابله با ظلم و استبداد حکام فاسد، دوباره جانی تازه گرفت و در کالبد انسان‌های آزاده و ظلم‌ستیز دمیده شد. همین عامل در نهایت، سبب انگیزش برخی قیام‌ها در خون‌خواهی ایشان و نیز ظهور انقلاب‌ها و مقاومت‌های اسلامی با پشتوانه تأثیرپذیری از واقعه کربلا شد؛ انقلاب‌هایی که تا عصر امروز ادامه دارند و این پیام مهم را به جهان رسانده‌اند که نهضت کربلا به دلایل عقلی و اعتقادی مستحکم و انگیزه‌های والای انسانی، همواره زنده و پویا در جریان است و به سان سایر قیام‌های مختلف تاریخی، هرگز روبرو به خاموشی و زوال نمی‌نهد.

حسین بن علی علیه السلام در آن زمان یک سوژه بزرگ به شمار می‌رفت. هر کس که می‌خواست در مقابل ظلم قیام کند، شعارش «یا لثارات الحسین» بود. امروز هم حسین بن علی علیه السلام یک سوژه بزرگ است؛ سوژه‌ای برای امر به معروف و نهی از منکر، برای اقامه نماز، برای زنده کردن اسلام، برای این که احساسات و عواطف عالیة اسلامی در وجود ما احیا شود. (مطهری، بی تا: ۱/۱۷۵)

در این نوشتار، ویژگی‌ها و هدف نهضت حسینی و پس از آن وقوع قیام‌های برگرفته از

آن تا انقلاب اسلامی مورد پژوهش قرار می‌گیرد.

۱. ویژگی‌های قیام امام حسین علیه السلام

اگرچه ویژگی‌های نهضت حسینی در طول تاریخ به فراوانی مورد واکاوی و تحقیق قرار گرفته است، اما به اجمال می‌توان گفت قیام حسین بن علی علیه السلام، قیام برای عدل اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر بود. (مطهری، ۱۳۵۸: ۲۵/۳۹۱)

۱-۱. طاغوت‌ستیزی

یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های قیام عاشورا مقابله با دستگاه طاغوتی بنی‌امیه به‌ویژه یزید بود. او از ابتدای حکومت غاصبانۀ خویش، چهره‌حقیقی بنی‌امیه را آشکار نمود و ظلم و استکبار را در کردار و گفتار خویش علنی کرد؛ تا جایی که در نامه‌ای به ولید بن عتبه چنین نوشت:

قد کان عهد إلیّ عهدا و جعلنی له خلیفة من بعده، وأوصانی أن أحدث آل أبی
تراب بآل أبی سفیان؛ (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۵/۱۰)
پدرم مرا خلیفه و ولی عهد خود قرار داده و وصیت کرده است که انتقام آل
ابی سفیان را از آل ابی‌تراب بگیرم.

امام خمینی رحمه الله می‌فرماید:

خطری که معاویه و یزید برای اسلام داشتند این نبود که غصب خلافت
کردند؛ خطری که اینها داشتند این بود که می‌خواستند اسلام را به صورت
سلطنت درآورند. می‌خواستند معنویت را به صورت طاغوت درآورند. (خمینی،
۱۳۶۸: ۸/۹)

۱-۲. حق‌طلبی و اصلاح امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

دیگر ویژگی نهضت عاشورا، مطالبه حق و اصلاح امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود؛ آن گونه که در
یکی از سفرهای حج فرمود:

اللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَكَانًا مِّثْلًا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا تِمَاسٍ شَيْءٍ مِنْ



فُضُولِ الحَطَامِ وَلَكِنَّ لِنَزْدِ المَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرِ الإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنُ
 المَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَتُقَامَ المَعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ؛ (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۳۹)

خدایا! تومی دانی که آن چه از طرف ما صورت گرفته، رقابت در کسب قدرت یا
 افزون طلبی در ثروت نبوده، بلکه برای بازگرداندن نشانه و سنت های دین توست
 و [برای آن است که] اصلاح را در کشور تو آشکار سازیم تا بندگان ستم دیده ات،
 امان و آرامش یابند و مقررات تعطیل شده ات برپا شود.

امام حسین علیه السلام به این مطلب آگاهی داشت که خاندان بنی امیه کوچک ترین
 اعتقادی به اسلام ندارند و دین را پوششی برای قدرت طلبی و ثروت اندوزی خویش قرار
 داده اند. این ادعا در سخن بزرگ آنان قابل مشاهده است. ابوسفیان در اواخر عمر خود در
 حالی که نابینا شده بود در جمع خویشانش با صدای بلند گفت:

يا بني أمية تلقفوها الكرة فوالذي يحلف به أبوسفیان ما زلت أرجوها لكم
 ولتصيرن إلي صبيانكم وراثه يا بني أمية تداولوا الخلافة فإته لا جنة ولا نار؛
 (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲ / ۳۴۳)

ای بنی امیه! دولت بی پایان خلافت را به دست گیرید که نه بهشتی در کار است و
 نه جهنمی. ای بنی امیه! بکوشید و خلافت را مانند گوی به دست آورید. به آن
 [بت ها] قسم می خورم پیوسته برای شما آن را آرزومی کرده ام. آن را دست به
 دست به اولاد خود به ارث برسانید.

۱-۳. عزت طلبی و آزادی

دوران زندگی امام حسین علیه السلام با حکومت معاویه و یزید همراه بود. اگرچه ایشان قدرت
 و سلطنت را در اختیار نداشت، ولی هیچ گاه در مقابل کفر و طاغوت لب فرو نیست و در
 زمان ها و موقعیت های مختلف با رادمردی و در اوج عزت و اقتدار، اعتراض خود به فساد
 حکومت را اعلام می فرمود. اباعبدالله علیه السلام پس از مرگ معاویه نیز با یزید بیعت نکرد و بارها
 درباره انحراف ها و فساد متعدد او سخن به میان آورد:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنِ الرِّسَالَةِ وَ مَحْتَلَفِ المَلَائِكَةِ وَ بِنَا فَتَحَ اللهُ وَ بِنَا حَتَمَ اللهُ وَ
 يَزِيدُ رَجُلٌ قَاسِقٌ شَارِبُ الحَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ المَحْرَمَةِ مُعَلِنٌ بِالفِسْقِ وَ مِثْلِي لَا يُبَاعُ

مَثَلُهُ: (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/۳۲۵)

ما اهل بیت نبوت و معدن رسالتیم... اما یزید مردی فاسق، شراب‌خوار و قاتل بی‌گناهان است که آشکارا گناه و فساد می‌کند؛ پس مثل من با امثال وی نمی‌تواند بیعت کند.

امام علیه السلام با عزت تمام خطاب به لشکر یزید از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌فرماید:

من رأی سلطانا جائرا، مستحلاً لحرم الله، ناکثاً لعهد الله، مخالفاً لسنة رسول الله صلی الله علیه و آله، فلم یعبّر علیه بفعل ولا قول کان حقاً علی الله أن یدخله مدخله؛ (مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۲)

هرکس سلطان ستمگری را مشاهده کند که حرام‌های خداوند را حلال ساخته و عهد و پیمان الهی را شکسته، اگر علیه او با زبان و عمل قیام نکند، بر خداوند است که او را با همان ستمگران در یک جایگاه عذاب کند.

۲. هدف امام حسین علیه السلام از قیام

در مسئله هدف قیام کربلا، علما و اندیشه‌وران فراوانی سخن به میان آورده‌اند که البته نهضتی به این بزرگی و ماندگاری چنین تکراری را برمی‌تابد. برخی اهداف امام حسین علیه السلام در سخنان بزرگان به اجمال این‌گونه است:

۲-۱. تشکیل حکومت در سرزمین‌های اسلامی و از بین بردن حاکمیت فاسد

امام حسین علیه السلام برای امتناع از بیعت یزید بن معاویه از مدینه به مکه رفت و پس از آن که نماینده اعزامی اش مسلم بن عقیل آمادگی اکثریت نیروهای مردمی کوفه را برای حمایت از امام به وی گزارش داد، به قصد تشکیل حکومت برای احیای اسلام به سوی کوفه حرکت کرد. (خمینی، ۱۳۶۸: ۲/۳۷۱ - ۳۷۳؛ طوسی، ۱۳۸۲: ۴/۱۸۲ - ۱۸۸؛ شریف مرتضی، ۱۲۵۰: ۱۷۸ - ۱۷۹)

۲-۲. قیام برای شهادت

سید بن طاووس، صاحب کتاب *لهوف* معتقد است شرافتی بالاتر از شهادت در راه خدا نیست و امام حسین علیه السلام از همان آغاز به همین قصد و با علم به آن به سوی کربلا



رهسپار شد. (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۲۸)

۲-۳. تشکیل حکومت در کوفه

امام حسین علیه السلام از مکه به قصد تشکیل حکومت در کوفه حرکت کرد (مطهری، ۱۳۵۸: ۳/۱۹۴)، ولی وقتی که خبر قتل نماینده اش مسلم به وی رسید، یقین کرد که او نیز حتماً کشته خواهد شد و از این زمان عده دیگری را نیز دعوت به همکاری با خویش کرد تا با او کشته شوند و خون بیشتری ریخته شود که ندای امام بیشتر به جهانیان برسد. (همو: ۱/۲۴۰)

۲-۴. دعوت مردم برای قیام و تغییر وضع موجود

امام حسین علیه السلام نمی خواست در کوفه تشکیل حکومت دهد؛ زیرا اگر قدرت حکومت را به دست می گرفت، نمی توانست اسلام را زنده کند و حتی نمی توانست لعن پدرش را که معاویه رواج داده بود بردارد و ناچار بود هم لعن پدر و هم بدعت های دیگر را باقی بگذارد. از این رو امام نمی خواست خودش حکومت را قبضه کند؛ ولی مردم را دعوت کرد که بر ضد حکومت یزید قیام مسلحانه کنند و وضع موجود را تغییر دهند. (عسکری، ۱۳۶۳: ۲/۴۸۴ و ۴۹۳)

۲-۵. حفظ جان

بیرون آمدن امام حسین علیه السلام از مدینه به مکه و از مکه به طرف عراق برای حفظ جان بود، نه خروج و نه قیام و نه جنگ با دشمن و نه تشکیل حکومت. (اشتهاردی، ۱۳۵۰: ۱۹۳-۱۹۴)

۳. خلط بین هدف و نتیجه

همان گونه که اشاره شد چرایی و هدف امام علیه السلام از قیام عاشورا، همواره بر اساس مبانی کلامی و عقلایی مورد توجه صاحب نظران بوده است. اما به نظر می رسد آنها بین هدف و نتیجه این قیام مقدس دچار برداشت های ناقص و نیمه تمام شده اند. اگرچه کلام بزرگان با واقعیت های مصداقی کربلا همخوانی دارد، اما در تمایز بین هدف و نتیجه قیام دقت

کافی به خرج نداده‌اند.

اگر مقصود از هدف امام حسین علیه السلام این است که ایشان به این قصد برای تشکیل حکومت خروج نمود که اگر امکان قیام علیه باطل نبوده و نتیجه‌ای دربر نداشت از قیام منصرف شود، حرفی بسیار اشتباه و خطاست. به تعبیری، اگر مقصود بزرگان از سخنی که می‌گویند هدف حضرت از قیام، تشکیل حکومت است مطلب مذکور باشد، به خطا رفته‌اند؛ زیرا مجموع حرکت امام، این را نشان نمی‌دهد. چراکه اگر فردی با نیت ایجاد حکومت حرکت کند، باید تا جایی پیش رود که این قصد امکان پذیر باشد؛ اما اگر متوجه شود احتمال عقلایی برای آن وجود ندارد، انصراف از قصد بر او لازم می‌گردد؛ زیرا اگر هدف، تشکیل حکومت است، تا جایی مجاز به این کار است که مقدور باشد.

در نظر دیگر مطرح می‌شود که امام تنها به قصد شهادت و کشته شدن قیام کرد. خطای این نظریه نیز روشن است؛ چراکه در اسناد و مدارک اسلامی چنین منطقی که آدمی خود را به کام مرگ بسپارد وجود ندارد. به تعبیر دیگر، این که انسان، بنای حرکت حق خود را برای این که «من بروم کشته شوم» یا به تعبیر شاعرانه «خون من پای ظالم را بلغزاند و او را به زمین بزند»، مفهومی بیگانه با روح شهادت اسلامی است. بلکه شهادت مطرح شده در آیات قرآن و روایات، حرکتی است که انسان به دنبال هدفی مقدس که واجب یا راجح است، گام بردارد و در آن راه، تن به کشته شدن نیز بدهد. این همان مفهوم شهادت صحیح اسلامی است.

۳-۱. هدف قیام عاشورا

هدف آن بزرگوار، عبارت است از انجام دادن یک واجب عظیم از واجبات دین که آن را هیچ کس قبل از امام حسین علیه السلام انجام نداده بود؛ واجبی که در بنای کلی نظام فکری، ارزشی و عملی اسلام، جایگاهی پراهمیت و والا دارد.

به طور طبیعی انجام این واجب، به یکی از دو نتیجه می‌رسد: الف) به قدرت و حکومت؛ ب) به شهادت.

در نهایت قیام ایشان، یکی از دو نتیجه «حکومت» یا «شهادت» را در برداشت. البته

حضرت برای هر دو نیز آمادگی لازم را داشت؛ زیرا هم مقدمات حکومت و هم مقدمات شهادت را آماده کرده بود؛ اما هیچ‌یک از این دو، هدف ایشان از قیام نیست.

هدف امام علیه السلام عبارت است از بازگرداندن جامعه از انحرافی که اسلام را تهدید می‌کند تا در مقابل این بدعت خطرناک که به وسیله بنی‌امیه برای جامعه اسلامی به وجود آمده است قیام نماید.

تاریخ‌نگاران، برخی انحرافات اخلاقی خلیفه جهان اسلام (!) را چنین نگاشته‌اند:

یزید مردی عیاش بود. سگ و میمون و یوز و حیوانات شکاری نگه می‌داشت و شراب خوار بود. روزی به شراب نشسته بود و ابن‌زیاد در طرف راست او بود. روبه ساقی خود کرد و شعری بدین مضمون خواند: «جرعه‌ای بده که جان مرا سیراب کند و نظیر آن را به ابن‌زیاد بده که رازدار و امین من است و همه جهاد و غنیمت من به او وابسته است.» سپس به مغنیان گفت شعر او را با آواز و ساز بخوانند. اصحاب و عمال یزید نیز از فسق او پیروی کردند. در ایام وی غنا در مکه و مدینه رواج یافت و لوازم لهُو و لعب به کار رفت و مردم آشکارا شراب‌خواری کردند. یزید میمونی داشت که کنیه او را ابوقیس کرده بود و او را در مجلس شراب خود می‌نشاند و متکایی برایش می‌نهاد. (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲/۷۲)

دست‌آورد اصلاح جامعه از انحراف، این می‌شود که در این راه حتی اگر نتوان حکومت شخص فاسدی چون یزید را سرنگون و حکومت بنی‌امیه را از بین برد، دست‌کم مشروعیت آن زیر سؤال خواهد رفت. از این رو سیدالشهدا علیه السلام دست به قیام علیه یزید زد و به همراه خانواده و یارانش به سوی کربلا حرکت کرد. هدف حضرت از قیام در رویارویی با حُرکاملاً مشهود است:

إِنَّ الدُّنْيَا تَغَيَّرَتْ وَتَنَكَّرَتْ وَأَذْبَرَ مَعْرُوفَهَا وَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُبَابَةٌ كَصَبَابَةِ الْإِنَاءِ وَ حَسِيسُ عَيْشٍ كَالْمَرْعَى الْوَيْبِلِ أَلَا تَرَوْنَ إِلَى الْحَقِّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَإِلَى الْبَاطِلِ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ لِيَرْعَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ حَقًّا حَقًّا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/۳۸۱)

اکنون کار به این جا رسید که می‌بینید. وضع دنیا دگرگون شده و نیکی آن از بین

رفته و چیزی از آن باقی نمانده، مگر به قدر اندکی آب که در ظرف آب باشد. از دنیا زندگی پستی باقی مانده که نظیر چراگاه خطرناکی است. آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی گردد. به راستی که شخص مؤمن به طور قطع، راغب به ملاقات پروردگار خویش است.

همچنان که در نامه ای به سران کوفه می نویسد:

وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَتَوَلَّوْا عَنِ طَاعَةِ الرَّحْمَنِ وَ
أَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَعَظَلُوا الْحُدُودَ وَاسْتَأْتَرُوا بِالْقِيءِ وَأَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ وَحَرَّمُوا حَلَالَهُ؛
(بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۱۷/۲۳۳)

این گروه (بنی امیه) به طاعت شیطان پایبند شده اند و از پیروی خداوند سرپیچی کرده اند؛ فساد را آشکار ساخته اند و حدود الهی را تعطیل کرده اند. آنان بیت المال را به انحصار خویش درآورده اند، حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام شمرده اند و من [که فرزند رسول خدایم] به قیام برای تغییر این اوضاع، از همه کس سزاوارترم.

با توجه به استدلال های مطرح شده، چگونه می توان حرکت امام حسین علیه السلام را از جنبه مبارزه و ستیز با حکومت یزید تهی کرد و هدف آن را اصلاح انحراف ندانست؟ همان گونه که می فرماید:

وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذَا بُلِّغَتِ الْأُمَّةُ بِرَأْسِ يَزِيدٍ؛ (جزائری، ۱۴۲۷: ۱/۲۰۵)
آن گاه که افرادی چون یزید بر مسند حکومت بنشینند باید فاتحه اسلام را خواند.

۴. قیام ها و انقلاب های الگو گرفته از کربلا

نهضت حسین علیه السلام نقطه عطفی در آغاز حرکت های پس از خود علیه ظلم و ستم حکام مستبد و فاسد به شمار می رود. قیام هایی که یا به خون خواهی امام شهید و یا با تأثیرپذیری از انگیزه و هدف آن حضرت تا به امروز ادامه یافته اند. مکتب و تفکر مقابله با ستمگری، بعد از واقعه کربلا رنگ و بوی تازه ای به خود گرفت و قیام های اعتقادی و ضد ظلم که در برهه ای از تاریخ حتی به شکست و شهادت قیام کنندگان انجامید، در زمره

رهروان نهضت حسینی و در جهت تقابل با انحراف و استکبار حکام فاسد، پیروزمندانه قلمداد کردند.

۱-۴. قیام مردم مدینه (حره)

دو سال پس از واقعه کربلا یعنی در سال ۶۳ هجری، هنگامی که افشاگری‌های امام حسین علیه السلام درباره فساد اخلاقی و حکومتی یزید همه‌گیر شد، برخی جرأت کردند که چهره فاسد خلیفه مسلمین را به طور علنی فاش کنند و از تبعیت وی به عنوان حاکمی ستمگر، سرباززند. مردم مدینه در ذی‌الحجه آن سال، علیه فساد نظام اموی و حکومت یزید قیام کردند و او را از خلافت خلع نمودند. (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۱۵۸؛ لیشی عصفری، ۱۴۱۵: ۱۴۷)

اگرچه این قیام، به سبب حضور یاران عبدالله بن زبیر در میان شورشیان که امام سجاد علیه السلام نمی‌خواست آنها ایشان را پل پیروزی قرار دهند، از ماهیت اصیل شیعی برخوردار نبود و در خط زبیریان قرار داشت، اما در اصل قیامی ضد استبدادی با تأثیرپذیری از عاشورا قلمداد می‌شود.

عثمان بن محمد والی مدینه، برای خشنودی بزرگان شهر و آرام نگه داشتن حوزه حکومت خود، عده‌ای از آنان را به شام فرستاد تا از بدل و بخشش‌های خلیفه برخوردار گردند؛ ولی با آن‌که یزید به آنان درهم و دینار فراوان بخشید، در بازگشت از شام، به جای تعریف از او، در مسجد النبوی شروع به بدگویی از یزید کردند. طبری می‌نویسد:

چون آن گروه به مدینه آمدند میان خویش سخن کردند و ناسزای یزید گفتند و ملامت او کردند و گفتند: از پیش کسی آمده‌ایم که دین ندارد، شراب می‌نوشد و طنبور می‌زند و کنیزکان پیش وی می‌نوازند؛ سگ بازی می‌کند و با فرومایگان و غلامان به صحبت می‌نشیند. شاهد باشید که ما او را خلع کرده‌ایم. (طبری ۱۳۷۵: ۷/۳۰۹۷)

آغاز واقعه حره این‌گونه به ثبت رسیده است:

از جمله حوادث سال، این بود که مردم مدینه عثمان بن محمد بن ابی سفیان

عامل یزید بن معاویه را از مدینه بیرون کردند و خلع یزید را اعلام نمودند و مردم، بنی امیه را که در مدینه بودند محاصره کردند. حبیب بن کره گوید: وقتی مردم مدینه با عبدالله بن حنظله غسیل بر خلع یزید بن معاویه بیعت کردند، به عثمان بن محمد و مردم بنی امیه و وابستگان‌شان و قرشیانی که هم عقیده آنها بودند تاختند که در حدود یک هزار کس بودند و آنها به جمع برون شدند و به خانه مروان بن حکم رفتند و کسان به محاصره آنها پرداختند. (همو: ۳۱۰۰)

ابن اثیر نیز در این باره می نویسد:

اهالی مدینه عثمان بن محمد بن ابی سفیان را که از طرف یزید والی بود، از مدینه طرد و اخراج کردند. بنی امیه را هم پس از آن که اهل مدینه با عبد الله بن حنظله بیعت کردند محاصره نمودند. بنی امیه با غلامان و یاران و کسانی که با آنها هم عقیده بوده در یک جا جمع شدند و در خانه مروان تحصن نمودند و به یزید نامه نوشتند و استغاثه کردند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۱/۲۴۲)

۴-۱-۱. نتیجه قیام حره

در نهایت این قیام علیه حکومت فاسد بنی امیه، به کشتار بی رحمانه مردم مدینه انجامید. مسلم بن عقبه سه روز سپاهیان خویش را در کشتن مردم مدینه و غارت شهر آزاد گذاشت و آنها جنایاتی مرتکب شدند که قلم از نوشتن آن شرم دارد تا جایی که وی را به خاطر این جنایات، «مُسْرِف» نامیدند.

خبر شورش مردم مدینه به دمشق رسید. یزید دوازده هزار سپاهی را به فرمان دهی مسلم بن عقبه مری - یکی از سرداران خون ریز خود - و معاونت حُصین بن نُمیر سکونی به مدینه فرستاد. سپاه شام، مدینه را محاصره کرد. مقاومت عبدالله بن حنظله و انصار بی فایده بود. در این واقعه هفتصد نفر از قریش و انصار و ده هزار نفر از بقیه مردم کشته شدند. (دینوری، ۱۴۱۰: ۱/۲۳۷؛ طبری، ۱۳۷۵: ۷/۳۱۱۴)

۴-۲. توابین

نهضتی شیعی بود که در سال ۶۴ هجری قمری یعنی سه سال پس از واقعه کربلا در

کوفه علیه حکومت اموی رخ داد. آنان به این دلیل که در قیام کربلا همراه نشدند و از آن حمایت نکردند، پشیمان بودند و قصد جبران داشتند. شعار اصلی آنها در خون خواهی سیدالشهدا علیه السلام «یا لثارات الحسین» بود (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳۶۸/۶). بر همین اساس، معتقد بودند گناهی که در قتل امام حسین علیه السلام داشته‌اند، جز با کشتن قاتلان وی یا کشته شدن در این راه پاک نمی‌شود (ثقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۲/۷۷۴).

این گروه خود را توابین نامیدند و سلیمان بن صرد خزاعی را به فرماندهی خویش برگزیدند.

سلیمان مردی بسیار شکاک بود و در کارها بسیار درنگ می‌کرد و چون حسین علیه السلام کشته شد، او و مسیب بن نجبه فزاری و پس از ایشان، همه کسانی که امام حسین را یاری نداده بودند، پشیمان شدند و گفتند: راه توبه و رهایی از آن چه ما کردیم چیست؟ همگی بیرون آمدند و روز اول ماه ربیع الآخر سال ۶۵ در نخیله جمع شدند و لشکرگاه ساختند و سلیمان بن صرد را بر خود فرمانروا ساختند و گفتند: به شام می‌رویم و خون حسین علیه السلام را مطالبه می‌کنیم. آنان چهار هزار تن بوده‌اند و از نخیله بیرون آمدند و خود را به عین الوردی که در ناحیه قرقیسیاء است رساندند. (ثقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۵۶۶؛ کاتب واقدی، ۱۳۷۴: ۲۶۶/۴)

۱-۲-۴. فرجام توابین

سرنوشت قیام توابین نیز بهتر از مردم مدینه نبود و آنها در این جنگ نابرابر شکست خوردند. جمعی از مردم شام که بیست هزار تن بودند به فرماندهی حصین بن نمیر، به آنان برخوردند و جنگیدند. سلیمان بن صرد از اسب پیاده شد و شروع به جنگ کرد. یزید بن حصین بن نمیر او را با شلیک تیری کشت و هنگامی که سلیمان بن صرد به زمین افتاد، گفت: «سوگند به خدای کعبه رستگار شدم». بیشتر یارانش نیز کشته شدند و آنان که باقی ماندند به کوفه بازگشتند. ادهم بن محرز باهلی، سرسلیمان بن صرد و مسیب بن نجبه را نزد مروان بن حکم برد. سلیمان بن صرد هنگامی که کشته شد ۹۳ سال داشت. (همان منابع)

در این بین رهبران توابین به جز رفاعة بن شداد کشته شدند و او به همراه باقی مانده گروه توابین به کوفه بازگشت. (یعقوبی، بی تا: ۲/ ۲۵۷ - ۲۵۸؛ طبری، ۱۳۷۵: ۷/ ۳۲۴۱)

۳-۴. قیام مختار ثقفی

جنبشی با هدف خون خواهی از شهدای کربلا به رهبری مختار بن ابی عبید ثقفی شکل گرفت. مختار در زمان واقعه کربلا در زندان بود و پس از رهایی به دنبال انتقام از قاتلان امام علیه السلام برآمد. او پس از ورود به کوفه با دعوت سلیمان بن صرد و قیام توابین مواجه شد؛ اما از آن جا که سلیمان را برای قیام مناسب ندید، از همکاری با آنان خوداری کرد. وی به کوفیان نیز می گفت سلیمان در زمینه جنگ تجربه ندارد و رموز آن را نمی داند. عمر بن سعد نیز نزد حاکم کوفه رفت و از بی ضرر بودن توابین و در مقابل، خطر آفرین بودن مختار سخن گفت. (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴/ ۱۷۲)

قیام وی پس از شکست توابین در سال ۶۶ قمری در کوفه آغاز شد و پس از به ثمر نشاندن حکومت خویش، بسیاری از عاملان شهادت امام حسین علیه السلام و یاران ایشان از جمله عمر بن سعد، شمر بن ذی الجوشن، سنان بن انس و عبیدالله بن زیاد را از پای درآورد. (بلاذری، ۱۴۱۷: ۶/ ۳۷۸-۳۷۷)

۱-۳-۴. تردید در انگیزه قیام مختار

درباره انگیزه و چرایی قیام مختار، دیدگاه های گوناگونی وجود دارد. برخی آن را برای مطامع دنیوی و هدفی غیر از خون خواهی امام شهید می پندارند؛ ولی برخی علمای بزرگ شیعه، قیام او را با اذن خاص امام زین العابدین علیه السلام می دانند. آیت الله خویی، شخصیت و اخبار و روایات رسیده درباره مختار را در دو قسم دسته بندی می کند:

۱. اخبار مدح و ستایش؛

۲. اخبار مذمت و نکوهش.

ایشان اخبار مدح و ستایش او را قوی و برتر می دانند و معتقد است در حسن حال مختار همین بس که او با کشتن قاتلان امام حسین علیه السلام دل اهل بیت علیهم السلام را شاد کرد و این خود خدمتی بزرگ به ساحت مقدس خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است که استحقاق پاداشی از جانب

آن بزرگواران دارد. به باور ایشان، از ظاهر بعضی از روایات به دست می‌آید که قیام مختار با اذن و اجازه خاص امام سجاد بوده است. (خویی، ۱۴۰۳: ۱۸ / ۹۹ - ۱۰۲)

علامه مامقانی در این باره می‌گوید:

تمام آن چه ذکر شده این است که این فرد (مختار) مذهبش امامی و معتقد به امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام بوده و قیام و حکومت او با اجازه امام سجاد علیه‌السلام صورت گرفته است. (مامقانی، ۱۳۸۱: ۳ / ۲۰۶)

علامه امینی نیز در کتاب *الغدیر* بر این باور است که مختار، مرد هدایت، قیام‌کننده، مجاهد، قهرمان و سلحشور بوده است. سپس با تجلیل از مقام و شخصیت وی بیان می‌دارد:

هرکس با دیده بصیرت و تحقیق بر تاریخ، حدیث و علم رجال بنگرد درمی‌یابد که مختار، از پیش‌گامان دین‌داری، هدایت و اخلاص بود و نهضت مقدس او تنها برای برپایی عدالت و ریشه‌کن کردن ملحدان و ظلم‌امویان و با اجازه امام سجاد علیه‌السلام بوده است. (امینی، ۱۳۷۴: ۲ / ۳۴۳)

۲-۳-۴. سرنوشت مختار

مختار پس از ۱۸ ماه حکومت و جنگیدن با سه گروه آل زبیر در حجاز، مروانیان در شام و اشراف کوفه، سرانجام در ۱۴ رمضان سال ۶۷ قمری در سن ۶۷ سالگی به دست مصعب بن زبیر به شهادت رسید. طرف‌داران وی که تعدادشان به شش هزار نفر می‌رسید، او را در جنگ با زبیریان همراهی نکردند و تسلیم شدند. مصعب نیز دستور داد همه آنان را اعدام کنند.

۴-۴. قیام زید بن علی علیه‌السلام

در ماه صفر سال ۱۲۲ هجری قمری و در زمان حکومت هشام بن عبدالملک، هم‌عصر با امامت امام صادق علیه‌السلام، قیامی به رهبری زید بن علی بن الحسین علیه‌السلام بر ضد حکومت بنی‌امیه به وقوع پیوست.

انگیزه زید از قیام علیه امویان، خون‌خواهی امام حسین علیه‌السلام، امر به معروف و نهی از

منکر و گرفتن خلافت از دست بنی امیه ذکر شده است. بسیاری از اندیشه‌وران شیعی مانند شیخ مفید، خواست اصلی زید بن علی را از قیام بر ضد حکومت بنی امیه را چنین می‌دانند:

وَكَانَ زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَيْنَ إِخْوَتِهِ بَعْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَفْضَلُهُمْ وَكَانَ عَابِدًا وَرِعًا قَفِيمًا سَخِيًّا شَجَاعًا وَظَهَرَ بِالسَّيْفِ يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُطَالِبُ بِشَارَاتِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ (مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۷۱)

و دیگر از برادران آن حضرت، زید بن علی است که پس از امام باقر علیه السلام شریف‌ترین و بزرگوارترین و برترین برادران آن جناب است و او مردی عابد و پارسا و فقیه و بخشنده و دلیر بود و به خاطر امر به معروف و نهی از منکر و خون‌خواهی حسین علیه السلام با شمشیر خروج کرد.

۴-۴-۱. سرنوشت قیام

قیام زید نیز سرانجامی جز شهادت او و یارانش نداشت. دشمنان، بدن بی‌جان او را به چنگ آوردند و جنایات بسیاری مانند بریدن سر، به دار آویختن جسد، آتش زدن بدن و به آب ریختن خاکسترش انجام دادند. در نقلی از امام صادق علیه السلام آمده است:

هفت روز پس از آن که بنی امیه جسد زید را سوزاندند، خداوند اراده کرد آنان را نابود سازد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۶۱)

۴-۵. قیام فخ

واقعه فخ، از جمله قیام‌های شیعیان علیه حکومت بنی عباس است که در هشتم ذی‌الحجه سال ۱۶۹ هجری به رهبری حسین بن علی از نوادگان امام حسن علیه السلام علیه ظلم حکومت و در زمان خلافت هادی عباسی صورت پذیرفت. از آن جا که این قیام در منطقه فخ در نزدیکی مکه رخ داد، به قیام فخ یا قیام صاحب فخ مشهور شده است.

این قیام همانند قیام امام حسین علیه السلام که نتیجه فشاریزید برای بیعت گرفتن از امام، ظلم بی‌اندازه، به انحرف کشاندن اساس شرع اسلام و اشاعه منکر و حرام در جامعه



اسلامی بود، واکنشی در برابر هتک حرمت‌های صورت گرفته بر شیعیان، ستم‌پیشگی حکام عباسی، نپذیرفتن ذلت برای سادات علوی و در یک کلام، عمل به تکلیف بوده است. بر این اساس، قیام عاشورا با توجه به حضور امام معصوم و اصول و اهداف عقلی و شرعی موجود در آن، معیاری برای سنجش قیام‌های پس از خود قرار گرفت که قیام حسین بن علی صاحب فخر، یکی از آنهاست. او هدف خود از قیام را عمل به کتاب خدا و سنت پیامبرش، سیرکردن یتیمان و بیوه‌زنان، عزیزکردن عزیزان خدا و ذلیل نمودن آنانی که خدا آنها را ذلیل کرده است، امر به معروف و نهی از منکر و همچنین رضای آل محمد عنوان کرد.

سرانجام این قیام نیز کشتار و حشیانۀ حسین بن علی و تمامی یاران وی به دست حکومت بود. در روایتی از امام جواد علیه السلام آمده است:

پس از واقعه فخر (کربلا) جنایتی بزرگ‌تر از واقعه فخر نبود. (ابی‌عنبه، بی‌تا: ۱۶۴)

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله همراه با اصحاب خود از منطقه فخر عبور می‌کرد و از مردی سخن گفت که در آن مکان همراه با گروهی از مؤمنان کشته خواهد شد و کفن‌هایشان از بهشت خواهد آمد. (اصفهان، ۱۳۸۳: ۳۶۶)

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است که جبرئیل به پیامبر درباره این حادثه گفت که یکی از فرزندان ایشان در منطقه فخر کشته خواهد شد و ثواب کسی که همراه او شهید شود، ثواب دوشهید است. (همو: ۳۶۷)

۴-۶. انقلاب اسلامی ایران

در بین قیام‌ها و خیزش‌های ضد ظلم و استکباری عالم اسلام، از جمله انقلاب‌هایی که از اساس، برگرفته از نهضت کربلا و با اهداف متعالی، در عصر حاضر به وقوع پیوست، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام روح‌الله خمینی است. با نگاهی تحقیقی می‌توان به این مطلب دست یافت که پیوند عمیق انقلاب اسلامی ایران و نهضت عاشورا با هیچ نمونه‌ای در تاریخ مکتب‌ها، نهضت‌ها و انقلاب‌ها قابل مقایسه نیست. فلسفه عاشورا، که جوهر مکتب تشیع است، از همان آغاز ظهور انقلاب اسلامی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به

عنوان بنیان فکری و نظری نهضت امام خمینی قرار گرفت.

ایشان در این باره می‌گوید:

کیفیت مبارزه را این‌که قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد، با یک عده معدود چطور باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است. (خمینی، ۱۳۶۴: ۱۷/۵۵)

رهبرانقلاب ایران بر این عقیده بود که عاشورا نه تنها مصیبتی حزن‌آور نیست، بلکه خیزشی هدف‌دار و دارای اصل و ریشه عقلایی است. بر همین اساس مبنای اعتقاد خویش در تأسیس انقلاب را بر آن اصل استوار ساخت:

در حالی که شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام از همه خسارت‌ها بالاتر بود، ولی چون اومی دانست که چه می‌کند و کجا می‌رود و هدفش چیست، فداکاری کرد و شهید شد و ما هم باید روی آن فداکاری‌ها حساب کنیم که ایشان چه کرد و چه بساط ظلمی را به هم زد و ما هم چه کرده‌ایم. (همو: ۵۴)

ایشان بنای مقاومت انقلاب اسلامی در راه دفاع از حق طلبی، آزادگی و در نهایت جان دادن در راه آن، حتی با کمی افراد و تجهیزات در مقابل طاغوت را متأثر از قیام امام شهید می‌داند:

ما هم همان طوری که سیدالشهدا علیه السلام در مقابل آن همه جمعیت و آن همه اسلحه‌ای که آنان داشتند قیام کرد تا شهید شد، ما هم همین طور، ما هم برای شهادت حاضریم. (همو: ۶۲)

این تفکر و حرکت برگرفته از عاشورا که توانسته بود بر پادشاهی ۲۵۰۰ ساله فایق آید، سرانجام در بهمن ۱۳۵۷ به ثمر نشست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که بر اساس اهداف نهضت حسینی استوار شده بود، گویی به نهضت‌ها و خیزش‌های ظلم‌ستیز سراسر دنیا جانی تازه داده شد تا با امید برگرفته از پیروزی انقلاب ایران، تلاش را در پیشبرد اهداف خویش با عزمی راسخ‌تر دنبال نمایند.

این روحیه مضاعف که در وجود مبارزان و جبهه‌های مقاومت اسلامی سراسر جهان به



وجود آمده بود، زنگ هشدار برای مستکبران عالم به صدا درآورد تا جایی که علیه انقلاب نوخاسته ایران، جنگی تمام عیار به راه انداختند که این نهال جوان را از ریشه قطع کنند؛ اما غافل از این که همان تفکری که سبب به وجود آمدن انقلاب شده بود، در جان مردم ایران ریشه تنیده و سبب ایستادگی در برابر تعدی آنان خواهد شد.

۱-۶-۴. جنگ تحمیلی

در سال‌های ابتدایی انقلاب ایران، درست زمانی که جمهوری اسلامی از توان دفاعی به شدت کمی بهره می‌برد، ارتش بعث عراق با حمایت امریکا و برخی کشورها به ایران حمله کرد؛ اما مردمی که با قیام حسینی، انقلاب خویش را به ثمر رسانده بودند، با همان تفکر عاشورایی این جنگ نابرابر را برای سایر انقلابیون تبدیل به الگویی همانند کربلا کردند.

قوه محرکه مقاومت مردم ایران در جنگ تحمیلی، همانند اصل ابتدایی در به وجود آمدن انقلاب ایران، ریشه در نهضت عاشورا و مکتب امام حسین علیه السلام دارد؛ آن گونه که آیت الله خامنه‌ای در این باره معتقد است:

شما ببینید، این نصف روز حادثه، چقدر در تاریخ ما برکت کرده و تا امروز هم زنده و الهام بخش است؛ این حادثه فقط این نیست که آن را بخوانند و بگویند و مردم خوششان بیاید یا متأثر عاطفی شوند؛ نه خیر، منشأ برکات و حرکت است. این، در انقلاب و جنگ و گذشته تاریخ ما محسوس بوده است. در تاریخ تشیع، بلکه در تاریخ انقلاب‌های ضد ظلم در اسلام - ولو از طرف غیر شیعیان - حادثه کربلا به صورت درخشان و نمایان اثربخش بوده؛ شاید در غیر محیط اسلامی هم اثربخش بوده است. پس، عجیب و بعید نیست؛ ما اگر نخواهیم هشت سال جنگ خودمان را با آن هشت، نه ساعت عاشورای امام حسین علیه السلام مقایسه کنیم، یا آن را خیلی درخشان‌تر بدانیم؛ یعنی من هیچ حادثه‌ای را در تاریخ نمی‌شناسم که با فداکاری آن نصف روز قابل مقایسه باشد. (خامنه‌ای، ۲۵/۰۴/۱۳۷۰)

۲-۶-۴. حزب الله لبنان

با پیروزی انقلاب اسلامی و اشغال لبنان توسط اسرائیل، سه تشکل اصلی شیعیان

شامل حزب الدعوة لبنان به رهبری علی کورانی، گروه امل اسلامی به رهبری سید حسین موسوی و تجمع علمای مسلمین تحت نظر صبحی طفیلی، با اتحاد همه جانبه و با حمایت انقلاب ایران در سال ۱۹۸۲ میلادی، جنبش مقاومت حزب الله را تأسیس کردند. در این میان، حزب الله لبنان فعالیت های خود علیه اشغالگران صهیونیستی را تا دو سال به طور مخفی پیش برد و نخستین بار در سال ۱۹۸۴ میلادی پس از عملیات شهادت طلبانه شهید علی صفی الدین، ضمن بیانیه ای مسئولیت آن را بر عهده گرفت و در نهایت سال ۱۹۸۵ میلادی همزمان با عقب نشینی اسرائیل از صیدا، در بیانیه ای رسمی، ایدئولوژی و استراتژی خود را بیان کرد.

اساس تشکیل این گروه مقاومت اسلامی نیز الگوپذیری از نهضت کربلا و قیام امام حسین علیه السلام است. از این رو رهبران آن بارها و در موقعیت های مختلف، پای بندی اعتقادی خود را به این نهضت ابراز کرده اند. سید حسن نصرالله، در سخنرانی به مناسبت شب عاشورا در مجمع «سید الشهداء» در «الرویس» در حومه جنوبی بیروت گفت:

امام حسین علیه السلام به ما می آموزد هنگامی که پای واجب الهی و مسئولیت ما در قبال اسلام، مقدسات و وطن هایمان به میان می آید، باید از جان خود بگذریم و آن را فدا کنیم. رمز قدرت و قوت ما چه زمانی که سلاح نداشتیم و چه اکنون که سلاح داریم، همین روحیه حسینی است. با چنین روحیه ای سلاح مقاومت دارای معنا، مفهوم و ماهیت دیگری خواهد بود. ما به جهانیان اعلام می کنیم که نه با تهدید و نه با کشتن ما نمی توانید ما را بترسانید؛ زیرا مرگ برای ما امری عادی است و ما کرامت خود را از خدا و شهادت می گیریم.

همچنین وی در مراسم بزرگ داشت مبارزانی که در جریان جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه لبنان جانبا شدند می گوید:

حضرت سید الشهداء و حضرت عباس علیهما السلام الگوی ما هستند. امروز می خواهیم تأکید کنم که از نظر اخلاقی، شرعی، دینی، قانونی و انسانی نبردی واضح تر و بالاتر از نبرد و مبارزه با رژیم صهیونیستی و اشغالگری اسرائیلی وجود ندارد.

همین الگوپذیری تمام عیار که به واسطه تفکر حسینی در روح مبارزان مقاومت شکل گرفت، سبب شد دشمن اسرائیلی از مقاومت حزب الله به سطوح آید و بارها ارعجز خود در مقابل حزب الله لب به اعتراف گشاید. به عنوان نمونه، سیلوان شالوم - وزیر خارجه سابق رژیم صهیونیستی - درباره جنگ با حزب الله می گوید:

ما چه دلیلی برای به راه انداختن جنگ تابستان ۲۰۰۶ علیه لبنان داشتیم؟ اگر به این مبادله اسیران راضی می شدیم و سمیرقنطارا در قبال دوسرباز اسرائیلی آزاد می کردیم، ۱۶۰ نظامی و غیر نظامی اسرائیلی کشته نمی شدند و بیش از پنج هزار موشک حزب الله بر سر ما فرود نمی آمد.

۳-۶-۴. انتفاضه فلسطین

انتفاضه یا «انقلاب سنگ»، جنبش نوین ضد صهیونیستی است که محتوای آن اعتراض مردم فلسطین علیه اوضاع نابسامان آوارگان در اردوگاه ها، افزایش بی کاری، تبعیض نژادی و سرکوب روزانه مردم به دست رژیم صهیونیستی است. انتفاضه مردمی در سرزمین های اشغالی، با بهره گیری از کمترین امکانات در پی نیل به هدفی بزرگ - یعنی آزادسازی فلسطین - به وقوع پیوسته و تا به امروز ادامه دارد.

صاحب نظران فلسطینی درباره ماهیت انتفاضه مردم فلسطین و ارتباط آن با قیام امام حسین علیه السلام سخنان بسیاری دارند. محمد البحیصی - اندیشه ور، روحانی و نویسنده فلسطینی - به خصلت های بارز امام حسین علیه السلام در روز عاشورا اشاره می کند و می گوید:

عظیم ترین مظهر روز عاشورا، زیبایی مظهر الهی بود که در شهادت امام حسین علیه السلام تجلی یافت. این امر نشان گر فداکاری و برحق بودن امام حسین علیه السلام بود. مظلومیت در کربلا و صحنه قداست کربلا، وجوه مشترک بین کربلا و فلسطین است و بدین ترتیب می توان مظلومیت و صحنه قداست قدس و فلسطین را به یاد آورد. شخصی که امروز در فلسطین با خنجر و چاقو به سرباز اسرائیلی حمله می کند، نشان می دهد که ملت فلسطین قابلیت مقابله با رژیم صهیونیستی را دارد؛ اما کسانی که از این امر ناراضی اند، افرادی هستند که از مسئله کربلا هم بیزارند. همان گونه که امام حسین علیه السلام با خون خود پیروز شد، ملت مظلوم

فلسطین هم در پایان پیروز و سربلند خواهند شد.

امام خمینی علیه السلام در پیروی انتفاضه مردم فلسطین از انقلاب اسلامی و به تبع آن قیام خونین کربلا علیه مستبدان می گوید:

فلسطینی، راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فروریخت و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت و دوباره کوکب دریۀ فلسطین، از شجرۀ مبارکۀ لاشرقیه و لاغربیۀ ما برافروخت.
(خمینی ۱۳۶۴: ۲۰/۲۳۴)

۴-۶-۴. جهاد علیه داعش

از دیگر جنبش های مقاومت اسلامی که با اعتقاد و الگوپذیری از مکتب کربلا در کشور سوریه و عراق علیه تکفیری های وهابی به پا خاست، حرکت نیروهای مقاومت، متشکل از جوانان سوری، ایرانی، عراقی، پاکستانی و عده ای دیگر از آزادی خواهان جهان است. این جهاد در برابر گروه های تکفیری خصوصاً داعش که در سال ۲۰۱۴ با حمایت مستقیم امریکا و برخی کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی، اعلام خلافت جهانی نمود و دست به جنایاتی متعدد در عراق و سوریه و چند کشور دیگر مانند افغانستان زد صورت پذیرفت.

ریشه داعش به جماعت توحید و جهاد می رسد که در سال ۱۹۹۹ به رهبری ابومصعب الزرقاوی تأسیس شد و در سال ۲۰۰۴ به شبکه القاعده پیوست و پس از آن به القاعده عراق معروف شد. داعش به تفسیر و قرائت وهابیت از اسلام و خشونت گرایی ضد شیعیان معروف بود. آنان در بیانیه ای به مناسبت اربعین و ایام عزای امام حسین علیه السلام ضمن تهدید شیعیان به کشتار، کینه عمیق خود نسبت به نهضت ایشان را این گونه عنوان کردند:

إننا لن نرضی بإهانة امیرنا و خلیفتنا یزید بن معاویة و بما ان الحسین کان عدواً لمعاویة فان الحسین و اتباعه هم اعداء لنا و هدف شرعی لداعش؛
ما راضی به اهانت به امیر و خلیفه خود یزید بن معاویه نیستیم و به سبب این که



حسین دشمن معاویه بوده، پس حسین و پیروانش هدف شرعی داعش خواهند بود.

سرانجام در سال ۱۳۹۶، پس از جنایات متعدد این گروه تکفیری و ائتلافش در کشتار ۳۳ هزار نفر، زخمی شدن ۴۱ هزار نفر و نیز ۱۱ هزار مورد گروگان‌گیری از مردم با هردین و مذهب^۱، شهید سردار قاسم سلیمانی - فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - که سازماندهی گروه‌های مقاومت در جهاد علیه داعش را بر عهده داشت، در نامه‌ای به رهبرانقلاب اسلامی، پایان سیطره شجره خبیثه داعش را اعلام کرد و این پیروزی بزرگ را به ایشان و جهان اسلام تبریک گفت تا به سبب تفکر حسینی، چنین پایانی بردولت خودخوانده داعش در سرزمین‌های اسلامی رقم زده شود.

۵-۶-۴. انقلاب یمن

از جمله خیزش‌های معاصر و متأثر از کربلا که علیه حکومت فاسد یمن و به تبع آن دشمنان خون‌ریز آنها شکل گرفت، انقلاب مردم یمن است. در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۱۵ برابر با ۶ فروردین ۱۳۹۴ ائتلافی از کشورهای عربی به سرکردگی عربستان با یک حمله هوایی موسوم به عملیات «توفان قاطعیت»، آغازگر جنگی ویرانگر بود که تا به امروز ادامه یافته است.

یمنی‌ها نیز همچون سایر قیام‌های برگرفته از نهضت حسینی، در عین مظلومیت به مقاومت ادامه داده‌اند و مکتب حسینی را تنها راه پیروزی خود می‌دانند. رهبرانصارالله یمن با تشبیه اوضاع فعلی یمن به واقعه کربلا و بیان این‌که دشمنان مردم یمن تنها تسلیم شدن آنان را خواستارند، می‌گویند:

نگاه ما در نبرد با دشمنان، به امام حسین علیه السلام است که با وجود تنها شدن و محاصره از سوی دشمنان، قدرت و صلابت ایشان هر لحظه بیشتر شد.

۱. آمار مربوط به یک سال پیش از نابودی داعش است.

نتیجه

برآیند قیام‌های سرنوشت‌ساز و مؤثر تاریخی پس از واقعه کربلا و نهضت ضد استبداد امام حسین علیه السلام، به شکل مکتبی نواندیشانه، همراه با وجود مبانی اعتقادی و اهداف والای انسان‌ساز به این ختم می‌شود که نهضت پویای کربلا در طول زمان جریان دارد. اگرچه قیام‌ها و خیزش‌های ذکر شده که هر کدام به نحوی تبلور ایستادگی امام حسین علیه السلام در برابر ظلم و ستم را آشکار و از آن اثر می‌پذیرد، یا به شکست ظاهری ختم شده و یا به پیروزی و استقرار انقلاب‌های اسلامی انجامید، اما والاترین نتیجه این قیام مظلومانه، تأثیر نهضت پر بار ایشان در روح جوامع اسلامی و حتی سایر ادیان در حرکت به سمت عدالت و تغییر است.

در عصر حاضر نیز حرکت‌های اعتقادی چون اسلام آوردن مردم نیجریه و قیام برخی کشورهای عربی در براندازی حکومت‌های ظالم از این قبیل هستند. در نهایت می‌توان گفت انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از خیزش‌های الگو گرفته از نهضت امام حسین علیه السلام نتیجه بخش‌ترین قیام مردمی و دارای آرمان است که نمونه‌ای موفق برای ایجاد بذرامید در روح و جان سایر عدالت‌خواهان و ظلم‌ستیزان برای قیام علیه ستمگری به شمار می‌رود. در واقع این انقلاب همراه با اهداف والا که نهایتاً زمینه‌ساز ظهور امام زمان علیه السلام خواهد شد، برگرفته از نهضت انسان‌ساز کربلاست. می‌توان به گواه تاریخ به این نتیجه رسید که کربلا و نهضت سیدالشهدا علیه السلام جریانی حقیقی و دارای پایداری و همچنین الگویی بی‌مثال برای تمام انسان‌های آزادی‌خواه بوده و خواهد بود.



منابع

- ابن اثیر، علی بن ابی الکریم (۱۳۸۵ق / ۱۹۶۵م)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.
- _____ (بی تا)، *الکامل*، ترجمه: ابوالقاسم حالت وعباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن اعثم کوفی، ابو محمد احمد (۱۴۱۱ق)، *الفتوح*، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالأضواء، چاپ اول.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸ش)، *اللہوف علی قتلی الطفوف*، ترجمه: احمد فہری زنجانی، تهران، نشر جهان، چاپ اول.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۳۶۰ش)، *تاریخ فخری*، ترجمه: محمد وحید گلپایگانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۸ق / ۱۹۹۷م)، *الفخری فی الآداب السلطانیة والدول الاسلامیة*، تحقیق: عبدالقادر محمد مایو، بیروت، دارالقلم العربی، چاپ اول.
- ابن عنبہ، احمد بن علی (بی تا)، *عمدة الطالب*، قم، انتشارات انصاریان.
- اشتہاردی، علی پناہ (۱۳۵۰ش)، *ہفت سالہ چرا صد درآورد*، قم، بی نا.
- اصفہانی، ابوالفرج علی بن الحسین (۱۳۸۳ش)، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق: سید احمد صقر، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۷۴ش)، *الغدیر*، تهران، دارالکتب الاسلامیہ، چاپ ششم.
- بارا، آنتوان (۱۳۴۱ش)، «امام حسین علیہ السلام آفتاب تابان ولایت»، *مجله نور دانش*، ش ۳، نیویورک.
- بحرانی اصفہانی، عبد اللہ بن نور اللہ (۱۴۱۳ق)، *عوامل العلوم والمعارف والأحوال من الآیات والأخبار والأقوال (مستدرک سیدة النساء إلى الإمام الجواد)*، تحقیق و تصحیح: محمد باقر موحد ابطحی اصفہانی، قم، مؤسسه الإمام المہدی علیہ السلام، چاپ اول.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ق)، *انساب الأشراف*، تحقیق: سہیل زکارو ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.

- ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (۱۳۷۳ش)، الغارات، ترجمه: عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات عطارد.
- جزائری، نعمت الله بن عبد الله (۱۴۲۷ق - ۲۰۰۶م)، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی، چاپ اول.
- حرانی، ابن شعبه حسن بن علی (۱۴۰۴ق / ۱۳۶۳ش)، تحف العقول، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- خامنه‌ای، سید علی، KHAMENEI.IR، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۶۴ش)، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- _____ (۱۳۶۸ش)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۷۳ش)، قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۳ق)، معجم رجال الحدیث، قم، مدینه العلم، چاپ سوم.
- دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه (۱۴۱۰ق)، الإمامة والسیاسة المعروف بتاريخ الخلفاء، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالأضواء، چاپ اول.
- شریف مرتضی (۱۲۵۰ق)، تنزیه الأنبياء، قم، الشریف الرضی.
- صانعی، نیره سادات (۱۳۸۵ش)، پاسخ به شبهات در شب های پیشاور، تهران، نشر مشعر، چاپ اول.
- طببری، محمد بن جریر (۱۳۷۵ش)، تاریخ طببری، ترجمه، ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چاپ پنجم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۲ش)، تلخیص الشافی، قم، انتشارات المحبین، چاپ اول.
- عسکری، سید مرتضی (۱۳۶۳ش)، مقدمه مرآة العقول، تصحیح: سید هاشم رسولی

- محلّاتی و دیگران، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- فیروزآبادی، سید مرتضی (۱۳۹۲ق)، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، تهران، انتشارات اسلامیّه، چاپ دوم.
- کاتب واقدی، محمد بن سعد (۱۳۷۴ش)، الطبقات الكبرى، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- لیثی عصفری، ابوعمرو خلیفه بن خیاط بن ابی هبیره (۱۴۱۵ق)، تاریخ خلیفه بن خیاط، تحقیق: فواز، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مامقانی، عبدالله (۱۳۸۱ش)، تنقیح المقال، قم، مؤسسه اهل البيت لاحیاء التراث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲ش)، زندگانی حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام (ترجمه جلد ۴۴ بحار الانوار)، ترجمه: محمد جواد نجفی، تهران، انتشارات اسلامیّه.
- _____ (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، تحقیق و تصحیح: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: اسعد داغر، قم، دارالهجرة، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸ش)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
- _____ (بی تا)، حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ - الف)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت:، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۳ - ب)، الأمالی، تحقیق و تصحیح: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره.
- _____ (بی تا)، الإرشاد، ترجمه: سید هاشم رسولی محلّاتی، تهران، اسلامیّه، چاپ دوم.

- هاشمی بصری، محمد بن سعد بن منیع (۱۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر.
- _____ (۱۳۷۱ش)، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم.

